

نقش خانواده
در مقابل تهاجم فرهنگی

نویسنده:زهرا السادات قادری

بسم الله الرحمن الرحيم

نقش خانواده در مقابل تهاجم فرهنگی

نویسنده:

زهرا السادات قادری

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
نقش خانواده در مقابل تهاجم فرهنگی ----- ۸
مشخصات کتاب ----- ۸
پیشگفتار ----- ۸
مقدمه ----- ۸
فرهنگ چیست؟ ----- ۱۰
انواع فرهنگ ----- ۱۰
اشاره ----- ۱۰
فرهنگ مادی ----- ۱۰
فرهنگ الهی ----- ۱۱
خصوصیات فرهنگ ----- ۱۱
وجوه مشترک فرهنگ ----- ۱۲
آسیب شناسی تهاجم فرهنگی ----- ۱۲
زمینه های پیدایش تهاجم فرهنگی ----- ۱۳
زمینه های داخلی تهاجم فرهنگی ----- ۱۳
بی توجهی به فرهنگ خودی ----- ۱۳
خود باختگی فرهنگی ----- ۱۳
رفاه طلبی و تجمّل گرایی ----- ۱۳
عقب ماندگی علمی و صنعتی ----- ۱۳
عدم شناخت صحیح از دین و بی توجهی در عمل به آن ----- ۱۴
بخش دوم ----- ۱۴
زمینه های خارجی تهاجم فرهنگی ----- ۱۴
اشاره ----- ۱۴

تبلیغ علیه تعالیم الهی ----- ۱۴
برتری نژادی ----- ۱۴
رشد صنعتی و تکنولوژی ----- ۱۴
شکست شیوه استعمار مستقیم ----- ۱۵
وابستگی فرهنگی زمینه ساز سایر سلطه ها ----- ۱۵
اهداف و آثار تهاجم فرهنگی ----- ۱۵
بخش اول ----- ۱۵
بخش دوم ----- ۱۶
شیوه های تهاجم فرهنگی دشمن ----- ۱۶
ابزارهای تهاجم فرهنگی ----- ۱۶
ویژگی‌های تهاجم فرهنگی ----- ۱۷
تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی ----- ۱۷
سیر تاریخی تهاجم فرهنگی در ایران ----- ۱۸
فرهنگ غربی و فرهنگ شرقی ----- ۱۹
عوامل تهاجم فرهنگی ----- ۲۰
اشاره ----- ۲۰
عوامل برون‌زا ----- ۲۰
عوامل درون‌زا ----- ۲۰
نقش خانواده در مقابل تهاجم فرهنگی ----- ۲۰
راههای مقابله با تهاجم فرهنگی ----- ۲۰
اشاره ----- ۲۱
تقویت بینش دینی و سیاسی ----- ۲۲
دقّت در برنامه های اموزش و پرورش کودکان ، نوجوانان و جوانان ----- ۲۲
زدودن فقر اقتصادی ----- ۲۳

پیشگیری از نفوذ عوامل فرهنگی دشمن ----- ۲۳
تقویت و احیای عزّت نفس ----- ۲۳
مبارزه با روحیة تجمّل گرایی ----- ۲۴
استفاده از همة ابزارهای ممکن برای دفاع فرهنگی ----- ۲۴
منابع ----- ۲۴
درباره مرکز ----- ۲۵

نقش خانواده در مقابل تهاجم فرهنگی

مشخصات کتاب

نویسنده:زهرا السادات قادری
ناشر : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

پیشگفتار

«تهاجم فرهنگی به این معنی است که یک مجموعه سیاسی
یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود و اسیر کردن یک
ملّت به بنیانهای فرهنگی آن ملت هجوم می برند.»
«تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی متفاوت است. تبادل فرهنگی
لازم است و هیچ ملّتی از اینکه معارفی را در تمام زمینه ها از جمله فرهنگ و مسائلی که عنوان فرهنگ به آن اطلاق می شود از ملتهای دیگر بیاموزد، بی نیاز نیست. درهمیشهٔ تاریخ هم همینطور بوده و ملتها در رفت و آمدهایشان با یکدیگر،
آداب زندگی، خلقیّات، علم، نحوهٔ لباس پوشیدن، آداب معاشرت، زبان،
معارف و دین را از هم فرا گرفته اند. این مهمترین مبادلهٔ ملتها با
هم بوده که از تبادل اقتصادی و کالا هم مهمتر بوده است.»
مقام معظم رهبری

مقدمه

حیات بشری همواره با فرهنگ توأم بوده است و ملّتی که فرهنگ مخصوص به خود نداشته باشد، مُرده محسوب می‌شود؛ علاوه بر این، یک فرهنگ بالنده برای تکامل خود باید توانایی تبادل با سایر فرهنگ‌ها و جذب عناصر مثبت آن را داشته باشد؛ بنابراین، تمام فرهنگ‌ها باید در تعامل با یکدیگر باشند، تا بتوانند در مجموع، بشر را به پیشرفت مطلوب برسانند.

برای فرهنگ در حدود دویست و پنجاه تعریف ارائه کرده‌اند؛ از جمله:

ـ کلیه دستاوردهای مادی و معنوی هر جامعه، اعم از دانش، هنر، اخلاقیات، قواعد، آداب و رسوم، عبادات و دیگر قابلیت‌های اکتسابی، که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد.

ـ مجموعهٔ باورها، بینش ها، ارزش ها، آداب و سنن، اخلاق و اندیشه‌های پذیرفته شده و حاکم بر یک جامعه.

ـ مجموعه پیچیده‌ای که در بر گیرنده دانستنی ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هر گونه توانایی که به وسیله انسان، به عنوان عضو جامعه، کسب شده است .

ـ فرهنگ مجموعه‌ای از آگاهی ها(شناخت‌ها) و رفتارهای فنّی، اقتصادی، آیینی(شعایر)، مذهبی، اجتماعی و غیره است که جامعهٔ انسانی معینی را مشخص می کند.

فرهنگ که فرآیندی از آداب و رسوم ، خوی ها و خصلتها و چگونگی روابط حاکم بر مجموعه ها و گروههای انسانی است ضمن آنکه خود زاییدهٔ زندگی اجتماعی انسانهاست ، تأثیر شگرف و غیر قابل تردیدی بر چگونگی زندگی و ادامهٔ حیات اجتماعی و ملّی

ملتها نیز دارد.

تعاریف مختلف و متفاوت از فرهنگ بیانگر این مطلب است که تمام دستاوردهای مادی و معنوی بشر در طول تاریخ در قالب اصطلاح فرهنگ قابل تعبیر است.

بـه عبارت دیگر ، فرهنگ هر ملّتی ریشه در اعتقادات ، طرز تلقی ها و نوع نگرش آنها به جهان و مسائل موجود در آن دارد. بنابراین به میزانی که پایه های اعتقادی و باورهای اجتماعی ملتی مبتنی بر حقایق و ارزشهای انسانی و الهی باشد ، ارزشهای فرهنگی او نیز شایستهٔ تمجید و در خورِ ستایش و قابل پیروی خواهد بود. اما پُر واضح است که در طول تاریخ حیات بشری، همواره آداب و سنن و خلق و خوی انسانها در جهت حق و بر اساس برداشتهای حق جویانه و واقع گرایانه از قضایا و مسائل مختلف نبوده و در بسیاری موارد و به دلایل عدیده ، انحراف و کجروی و دوری از صراط مستقیم فلاح و رستگاری و درغلتیدن در دامن موهومات و باورهای خرافی ، باطل گرایانه ، غیر الهی و ضد بشری گریبانگیر اقوام و ملل مختلف شده است.

همچنین به علت خوی اجتماعی انسان ، مراودات و ارتباطات انسانی و به تبع آن روابط فرهنگی و مبادلات فکری نیز به موازات تاریخ تحولات و تمدن بشری وجود داشته است.

در این میان بنا بر نص صریح قرآن ، تقابل و تضاد بین دو فرهنگ«الهی» و«غیر الهی» و نزاع و درگیری بین دو مقولهٔ «حق» و«باطل» از صبحدم تاریخ وجود داشته و تا واپسین لحظات غروب حیات بشری نیز ادامه خواهد داشت و در این مسیر ، خدا پرستان و حقجویان، همواره رویاروی باطل گرایان و شب پرستان، در نبردی آشتی ناپذیر بسر خواهند برد.

امروزه با پیشرفت سریع تکنولوژی و علم وصنعت و با پیدایش قطبهای غول آسای صنعتی ، اقتصادی و نظامی و با سیطرهٔ فرهنگ ابتذال ، رفاه زندگی و مادّیت بر کفر پرستان شرق و هیچستان غرب این امکان فراهم آمده است که سران کفر و الحاد و مستکبران جهانخوار، دم از تشکیل«دهکدهٔ جهانی» زده و با گسترش سلطهٔ شبکه سازمانهای بین المللی بر سراسر عالم، حاکمیت«نظم نوین جهانی» را خواستار شدند. اینان به منظور دستیابی به این اهداف شوم، و در پی بسط و توسعهٔ سلطه و نفوذ شیطانی و اهریمنی خود در تمام شؤون زندگی ملتهای گوناگون در سراسر دنیا، از طریق نهادهای وابسته به سازمان باصطلاح ملل متحد و با جهت دهی به تصمیمات این نهاد و کنترل حساب شدهٔ آنها ، در سرنوشت تمامی ملتها به صورتی آشکار و نهان دخالت می کنند. به بهانهٔ دفاع از حقوق بشر، با استفاده از وحشیانه ترین و رذیلانه ترین اقدامات ضد بشری، حکومتهای کشورها را تغییر می دهند، تصفیه های خونین نژادی را که به دَدمنشانه ترین روشها صورت می گیرد، با ظرافت و ترفندهای گوناگون توجیه می کنند، از طریق پیمانهای چند جانبهٔ اقتصادی همانند«گات» و غیره زمینه های سلطهٔ شوم اقتصادی خود را بر کشورهای ضعیف و عقب مانده فراهم می کنند و با آزمایش هر روزهٔ سلاحهای مخوف و ویرانگر خود ملل محروم و مستضعف را تهدید کرده به آنها چنگ و دندان نشان می دهند و هر فریاد اعتراضی را به هر شکل ممکن در گلو خفه می کنند و بالاخره با گسترش شبکه های مدرن و پیچیدهٔ ارتباطی و با بهره گیری از حیوانی ترین روشها، روشها، فضای فکری، اعتقادی و فرهنگی ملتها را لجن مال می کنند و با ایجاد جوّ مسموم و خفه کننده فکری و فرهنگی مانع هرگونه بیداری، ابتکار، پیشرفت، آزادی خواهی و استقلال طلبی در میان مردم فقر زده و دربند کشورهای مورد هجوم می شوند .

در عصری که بسیاری از واژه ها معنای حقیقی خود را از دست داده اند، اشاعهٔ ابتذال و فساد، نام ترویج فرهنگ و خدمت به جامعهٔ بشری به خود می گیرد و دفاع از هویت ملی و ارزشهای والای انسانی و فرهنگی واپسگرایی، سُکون و عقب ماندگی تلقی می شود و باندهای آشکار و نهان مافیایی از هر وسیله ای برای استحالهٔ فرهنگی، و مسخ ارزشهای معنوی بهره می جویند. در این بین، هجوم و شبیخون بر بنیانهای فرهنگی، خطرناکترین و کارسازترین حربه ای است که اینک موجودیت ملتها بویژه ملل اسلامی را تهدید می کند و انقلاب اسلامی و خاستگاه اصلی آن یعنی سرزمین دلاورخیز ایران در نوک این حملات ناجوانمردانه و رذیلانه واقع گردیده

است، آنچنان که سکّاندار بیدار کشتی انقلاب و مقام منیع ولایت امر مسلمین فریاد برمی آورد که«کاری که امروز دشمن از لحاظ فرهنگی انجام می دهد نه یک تهاجم، که یک شبیخون فرهنگی است.»

در پی این هشدارهای پی در پی رهبر عظیم الشأن انقلاب دربارهٔ این موضوع تلاشهای گسترده ای در سطح مملکت صورت گرفته که هر یک به نوبهٔ خود اقدامی مؤثر و شایسته در این جهاد فرهنگی به حساب می آید.

در این راستا، خانواده ها نیز به سهم خود و با توجه به جایگاه بسیار مهم و حساسی که دارند سعی بر ایجاد نقش آفرینی را باید سرلوحه کارهای خود قرار دهند تا این حربهٔ خطرناک دشمن کار ساز نگردد.

در این مقاله سعی و کوشش زیادی به عمل آمده تا با استفاده از منابع گوناگون و نظرات صاحبنظران در امور مختلف مسأله تهاجم فرهنگی و نقش خانواده در مقابل تهاجم فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد.

بنابراین در لابلای این سطور، به مسائل مهمی ، مانند: مسأله فرهنگ ، انواع فرهنگها ، تبادل فرهنگی ، زمینه های پیدایش تهاجم فرهنگی(اعم از زمینه های داخلی و خارجی آن)، آثار و نتایج ویرانگری که این شیوهٔ تهاجم در پی خواهد داشت، مطالب و اطلاعات مفید و جامعی را در اختیار خواننده قرار می دهد.

امید آنکه توانسته باشم از این طریق گامی هر چند کوچک در این جهاد مقدس فرهنگی برداشته و گوشه ای از رسالت عظیمی را که نسل امروز بر عهده دارد ایفا نموده باشم. انشاء...

فرهنگ چیست؟

هرچند وسیع و جامع بودن مفهوم فرهنگ ، شناخت و شناساندن همه جانبهٔ آن را دشوار ساخته است اما از دیرباز هر یک از اندیشمندان ، به فراخور آگاهیهای خویش ، در این حقیقت نگریسته و تعاریفی از آن ارائه داده اند . اما مع الوصف هر یک از این تعاریف پیرایه هایی از کاستی را نیز به همراه داشته و به تنهایی نمی توانند تعریف کاملی از فرهنگ به شمار آید . به عنوان مثال«تایلر»- دانشور آمریکایی- می گوید:

«ر روزگار ما این کلمه(فرهنگ) بر همه ابزارهایی که در اختیار ماست دلالت دارد . و همچنین بر همهٔ رسمها و باورها ، دانشها ، هنرها ، نهادها و سازمانهای جامعه . انسان از گذرگاه فرهنگ جامعهٔ خود و به برکت آن ، موجود اجتماعی می شود. و با مردم پیرامون خود از صدها جهت ، همرنگی و همنوایی می یابد ، و از مردم جوامع دیگر متمایز می شود.»

«نیم کوف» جامعه شناس برجستهٔ غرب در این باره می نویسد:

« فرهنگ عصارهٔ زندگی اجتماعی است. و در تمام افکار ، امیال ، الفاظ و تکاپوهای ما منعکس می شود و حتی در اطوار و حرکات خفیف چهرهٔ ما راه دارد.»

بر این اساس ،« فرهنگ مجموعهٔ پیچیده ای است – متضمّن معلومات، معتقدات، هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم و تمامی تمایلات، قابلیتها و عادات مکتسبه- که آدمی در حالت عضویت در یک اجتماع حاصل می نماید.»

انواع فرهنگ

اشاره

در یک نگاه کلّی می توان همهٔ فرهنگهای موجود را به دو نوع مادّی و الهی تقسیم کرد و بازنگری قرار داد:

فرهنگ مادی

این فرهنگ بر پوچ انگاری ارزشهای الهی و انسانی بنا نهاده شده است. جنبهٔ انسانی انسان به فراموشی سپرده شده و تنها به عنوان«موجود مادی» مورد ارزیابی قرار می گیرد. چنین فرهنگی افراد پیرو خویش را پیرامون رفاه فزونتر، آزادی و بهره وری بیشتر از غرایز و سود پرستی به جنبش در می آورد.

در فرهنگ مادی هدف وسیله را توجیه می کند. بنابراین، پیروی چنین فرهنگی برای رسیدن به اهداف مادی و بهره مندی هر چه بیشتر از مزایای زندگی به هر وسیله ای دست می یازد و از هر شیوهٔ ممکن سود می جویند. بدین ترتیب در سایهٔ چنین فرهنگی ، بنیادهای اخلاقی جامعه فرو می ریزد ، ارزشهای انسانی کم رنگ می شود ، آمار بزهکاریها فزونی می یابد و بشر در گرداب بی پناهی و تنهایی گرفتار آمده اضطراب و تشویش بر سراسر زندگی وی حاکم می شود.

فرهنگ الهی

فرهنگ الهی، انسان را آمیزه ای از پیکر خاکی و روان آسمانی می داند. که فرهنگ اسلامی تبلور تمام و کمال آن است، و هدفش دستیابی به کمالی است که در تابش آفتاب"وحی "حاصل می شود و معیار برتری افراد را نیز پرهیزگاری و پایبندی به اصول ثابت اخلاقی می داند. قرآن مجید دراین رابطه می فرماید:

«ان اَکرَمَکُم عِندَالله اَتقیکُم»

"هر آیینه گرامی ترین شما نزد خدا، پرهیز گارترین شماست.

اصولاً ـ برای شناخت اصالت و میزان برخورداری یک فرهنگ از روح و حیات نیاز به مطالعه و شناخت، عناصر برجسته، جهت و حرکت، آهنگ رشد و انگیزه های حاکم بر آن فرهنگ می باشد تا مشخص شود که آیا دارای شخصیت مستقلی می باشد؟ و یا اینکه التقاطی بوده و دنباله رو فرهنگهای دیگر است.

فرهنگ اسلامی بر خلاف فرهنگ مادی که ساخته و پرداخته دست بشر است، به این ویژگی منحصر به فرد، آراسته گشته و به حیات خود ادامه می دهد.

متفکّر بزرگ اسلامی، استاد شهید مرتضی مطهری در این باره می فرماید:

«فرهنگ اسلامی مانند یک سلول زنده رشد کرد و فرهنگهایی را از یونانی و هندی و ایرانی و غیره در خود جذب کرد و به صورت موجود جدید با چهره و سیمای مخصوص به خود ظهور کرد و به اعتراف محققان تاریخ فرهنگ و تمدّن، تمدن اسلامی در ردیف بزرگترین فرهنگها و تمدنهای بشری است.»

خصوصیات فرهنگ

خصوصیات فرهنگ را می‌توان به شرح زیر ارائه کرد:

۱- آموختنی و اکتسابی است: افرادِ هر نسل، میراث فرهنگی را از نسل گذشته دریافت می‌کنند و به نسل بعدی می‌سپارند.

۲- زنده است: جنبهٔ پذیرندگی فرهنگ مربوط به زنده بودن آن است و توقف فرهنگ مساوی با مرگ آن است.

۳- فطرتِ ثانوی انسان است؛ یعنی به خودی خود عمل می‌کند؛ بر این اساس است که ارزش‌ها، بایدها و نبایدها و اهداف و عادات، پایه‌های فرهنگ را می‌سازند.

۴- فراتر از سواد و تحصیلات است؛ زیرا با فطرت و سرشت انسان‌ها مرتبط است.

۵-هویت‌دهنده است؛ یعنی تنظیم‌کنندهٔ روابط اجتماعی و تضمین‌کنندهٔ نوع بینش و نگرش فرهنگ‌پذیر است.

۶- نسبی است؛ فرهنگ متنوع است، تدابیر و روش‌ها از یک گروه به گروه دیگر فرق می‌کند و هر قومی طرز تفکر و عادات ویژه‌ای دارد.
۷- منتقل شدنی است؛ هر گروه انسانی میراث اجتماعی(فرهنگ) خود را به دیگران انتقال می‌دهد.
۸- خاص انسان است؛ فرهنگ شامل گذر از مرحلهٔ غریزی به رفتارِ آموخته است که الگوهای آن می‌تواند از یک شخص یا نسل به شخص یا نسل دیگر منتقل شود؛ در واقع مفهومی تجریدی از مشاهدهٔ رفتار انسان‌هاست.(۱)

وجوه مشترک فرهنگ

همه فرهنگها، گذشته از خاستگاه خود، از ویژگیهای مشترکی برخوردارند که اشاره به برخی از آنها می تواند در بررسی پدیده های اجتماعی سودمند افتد:
۱-«فَرا گرفتنی» است. بدین معنی که فرهنگ، قابل آموختن است. و از راه وراثت به دیگری انتقال نمی یابد.
در واقع فلسفهٔ وجود«آموزش و پرورش» در جامعهٔ انسانی نیز همین ویژگی است.
۲- خاستگاه فرهنگ اجتماع بشری است. در واقع، فرهنگ یک موضوع اجتماعی است که در جامعه شکل می گیرد، بارور می شود و مفهوم می یابد.
۳- هر چند فرهنگ، بزرگترین نیاز جامعهٔ بشری است، ولی خود اساسی ترین نیازمندیهای زندگی انسان را برآورده می سازد.
۴- فرهنگ، ایستایی نمی پذیرد و با گذشت زمان پیوسته تحول می یابد.
۵- فرهنگ قابل انتقال است و از نسلی به نسلی یا از ملتی به ملتی دیگر منتقل می شود.

آسیب شناسی تهاجم فرهنگی

در شرایط کنونی؛ با گذشت هر روز؛ نشانه‌های تهاجم فرهنگی در جامعهٔ ما بیشتر از هر روز دیگر آشکار می‌شود. همان گونه که ارزش‌های ملی و تاریخی در این جامعه کالایی شده است، فرهنگ و زبان نیز حیثیت کالا را به خود گرفته است. تهاجمات فراوان بیرونی از حد شمارش فراتر رفته و هیچ میزان دقیق و معینی نمی‌توان بر آن گذاشت.
در هر جامعه حفظ و نگهداشت زبان و ادبیات(به گونهٔ خاص) مربوط به قشر روشنفکر می‌شود، اما با تأسف باید گفت: در جامعه ما بیشترین آسیب را این قشر بر زبان وارد نموده‌اند. چون امروزه در جامعه ما مردم اکثراً فکر می‌کنند که هر قدر معیار کاربرد واژه‌های بیگانه و غرب را در گفتار و نوشتارخویش بیشتر نمایند، همان اندازه انسان‌های پیشرفته معرفی خواهند شد حال آنکه خود متوجه نیستند که بدترین خیانت را در راستای زبان و ادبیات مرتکب شده‌اند. زبان اصلی و بومی در شرایط کنونی‌اش، زخمی و معیوب شده و با گذشت هر روز این زبان محدود می‌شود. پس از این بررسی کوتاه به این پرسش بر می‌خوریم که چه باید کرد تاحداقل از ادامهٔ این وضعیت جلوگیری شود که موارد ذیل می‌توانند مفید واقع شود:
۱- ایجاد مراکز پژوهشی و تحقیقاتی پیرامون زبان و واژه‌های اصیل آن زبان و آفرینش واژه‌های جدید.
۲- مسئولیت بزرگ، متوجه مسئولین رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری است که تلاش نمایند تا در نشریات خویش از واژه‌های بیگانه استفاده نکنند.
۳- از طریق این رسانه‌ها به تمام افراد جامعه بفهمانند که زبان به حیث هویت ما است و اگر زبان آسیب‌پذیر شود ضربهٔ بزرگی به هویت چندین هزارساله‌مان وارد خواهد شد . بنابر این باید متعهدانه تلاش نمود تا از بیگانه‌پرستی فرار کرده و دوباره به آغوش فرهنگ غنی و تاریخی خود بازگردیم.

زمینه های پیدایش تهاجم فرهنگی

پدیده های اجتماعی با علت و زمینهٔ واحدی بوجود نمی آینـد و برای بررسـی و شـناخت آن بایـد علل و عوامل متعـددی را مورد شناسایی قرار داد . تهاجم فرهنگی نیز یکی از پدیده های مهم اجتماعی است که می بایست زمینه های پیدایش و گسترش آن بطور دقیق و جامع بررسی شود.

تهاجم فرهنگی امری است که همیشه دارای دو طرف«مهاجم» و«مورد هجوم» می باشد. و علل و عوامل مربوط به هر کدام از آنها با یکـدیگر متفاوت ولی با هم مرتبط می باشـند. بنابراین، بحث را در دو بخش زمینه های داخلی و زمینه های خارجی تهاجم فرهنگی پی می گیریم.

بخش اول

زمینه های داخلی تهاجم فرهنگی

بی توجهی به فرهنگ خودی

هر یـک از جوامع انسانی ، فرهنگ خاص خود را دارنـد ، که طی سالیان متمادی در اثر خاطرات تلـخ و شـیرین در تاریـخ سـرزمین آنها شکل گرفته و به صورت فرهنگ آن سرزمین درآمده است که از آن به«فرهنگ خودی» تعبیر می شود.

تا زمانی که فرهنگ خودی به حیات خود ادامه داده و قدرت هضم و دفع تازه های فرهنگ وارداتی را داشته باشد هیچگونه آسیبی نخواهد دید.

در اسـلام عنصـر مهم«امر به معروف و نهی از منکر» یکی از مصادیق بارزی است که به صورت یک موتور نیرو بخش عمل کرده و به فرهنگ جامعه، پویایی و حیات مستمر می بخشد.

خود باختگی فرهنگی

حالت خود باختگی بیشتر ناشی از«خود کم بینی و احساس حقارت» در قبال پیشرفت و موفقیتهای دیگران است . لذا استکبار جهانی با دست یافتن به پیشـرفتهای مادی ، چنین تبلیغ می کند که علّت پیشرفتهای مختلف و شگفت آور جهان غرب ناشی از فرهنگ آنها است.

ج- بی لیاقتی سـران حکومتها : شـکّی نیست که قدرت و هیأت حاکمه در یک جامعه تأثیر چشم گیری بر فرهنگ آن جامعه دارد . اگر حکمرانان مقیّد و مطیع ارزشـهای بومی و دینی جامعه خود باشند به دوام و گسترش فرهنگ خودی کمک بسزایی می نمایند و اگر فاسد و بی لیاقت باشند ، صدمات جبران ناپذیری بر فرهنگ و ذخایر معنوی و مادّی جامعه وارد می کنند.

رفاه طلبی و تجمّل گرایی

القاء روحیهٔ رفاه طلبی و دنیا گرایی یکی از محورهای اصلی استکبار در تهاجم فرهنگی می باشد.

عقب ماندگی علمی و صنعتی

سرزمین شرق تا قبل از شروع انقلاب صنعتی، بعنوان مرکز صدور فرهنگ و تمدّن برای جهان محسوب می شد، غربی ها برای تهیه وسایل تجاری و اقتصادی خود از قبیل پارچه ، ادویه جات و غیره با پیمودن کیلومترها راه دریایی و خشکی و قبول همه خطرات به ملل شرق رو می آورند تا از امکانات و پیشرفتهای آنان بهره ببرند. مشکل مصرف از یک طرف و مشکل تهیه مواد اولیه مورد نیاز باعث شد که کشورهای صنعتی به جوامع عقب مانده رو آورده تا علاوه بر غارت منابع و مواد معدنی موجود در آن سرزمین و استثمار کارگران و افراد بومی ، کالاهای ساخته شده و مصرفی خود را بر بازارهای این جوامع تحمیل نمایند.

این عمل مستلزم این بود که کشورهای جهان سوم ، همواره محتاج استعمارگران و کشورهای صنعتی باقی بمانند.

عدم شناخت صحیح از دین و بی توجهی در عمل به آن

عدم درک و شناخت صحیح مسلمانان از فرامین دینی و احکام شریعت یکی از عوامل مهم سلطه پذیری ممالك اسلامی محسوب می شود . اگر همه ملّتهای مسلمان آگاه شوند که قرآن مجید با تأکید فراوان ، هرگونه سلطهٔ سیاسی و اقتصادی و... بیگانگان را بر مسلمان نفی و منع کرده ، به هیچ وجه سلطهٔ کفّار غربی را نمی پذیرفتند.

بخش دوم

زمینه های خارجی تهاجم فرهنگی

اشاره

منشأ اصلی تهاجم فرهنگی ، اوضاع و شرایط سیاسی ، اجتماعی و شرایط سیاسی ، اجتماعی خارجی ، بخصوص وضعیت بحرانی کشورهای استعماری می باشد.

وقتی کشورهای بزرگ صنعتی دچار بحرانهای اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی شدند ، تنها راه چاره را در انتقال این بحران به جوامع غیر صنعتی یافتند . در این قسمت عمده ترین عوامل خارجی تهاجم فرهنگی را بر می شمریم:

تبلیغ علیه تعالیم الهی

دشمنان ادیان الهی همیشه سعی می کنند دین را از صحنه و متن زندگی خارج نموده و آن را به حاشیه بُرده امری غیر ضروری جلوه دهند. زیرا دین حقیقی را مانع چپاولگری و غارت خود می بینند.

برتری نژادی

قوم گرایی و نژاد پرستی همواره یکی از معضلات بشریت بوده و می باشد از زمانهای گذشته تاکنون درگیری و اختلافات نژادی بدترین نوع جنگها بوده و بیشترین خونریزی را بدنبال داشته است.

قرآن فلسفهٔ اصلی اختلاف رنگ، پوست، زبان، قبیله و نژاد را عامل تسهیل در شناسائی گروههای مختلف از یکدیگر می داند.

..."وَ جَعَلناکُم شُعوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفوُا("...۱)

... "شما را ملت ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید"...

رشد صنعتی و تکنولوژی

از زمانی که کشورهای اروپایی از سلطهٔ جوّ خفقان قرون وسطایی نجات یافتند، تحول چشم گیری در زمینهٔ علوم و صنایع بدست آوردند، این پیشرفت فنی و تکنولوژیکی اگر چه در بسیاری از زمینه ها به خدمت بشریت شتافت ، اما به علت فقدان روحیه الهی و معنوی و انسان دوستانه ، صاحبان این تکنولوژی ، خسارات جبران ناپذیری را نیز برای بشریت به بار آوردند.
در نهایت چاره مشکل را در انتقال این بحران به کشورهای غیر صنعتی دیدند و در واقع«استعمار» به معنای علمی از اینجا آغاز شد.

۱- حجرات ، آیهٔ ۱۳ .

شکست شیوه استعمار مستقیم

کشورهای سرمایه داری غرب برای حل مشکلات داخلی خود با تظاهر به خدمت به بشریت و با استفاده از تسلیحات و نیروهای نظامی پیشرفته خود، دخالت در امور داخلی ملل مختلف جهان را آغاز کردند و به طور مستقیم در این کشورها حضور فیزیکی یافتند . بطور کلی کشورهای سرمایه داری در این مرحله نیز با بحران مهمی مواجه شدند که باز هم درصدد یافتن راههایی برای انتقال این بحران جدید ، به کشورهای توسعه نیافته برآمدند.
ه- شیوه استعمار نامرئی: پس از شکست استعمار شکل مستقیم، استعمارگران با روش غیر مستقیم و نامرئی وارد صحنه شدند که به شیوه های پیشرفته تری آن را به اجرا درآوردند. در واقع مرحله جدیدی از تهاجم فرهنگی که زمینه را برای ادامهٔ غارت کشورهای عقب افتاده آماده کرد .
برای دستیابی به این هدف شوم در زمینه های فرهنگی ، اقتصادی و سیاسی شروع به فعالیت گسترده کرد . در درجهٔ اول فرهنگ مولّد و پویای این جوامع را به یک فرهنگ غیر متحرّک ، مصرفی و مُرده تبدیل نمود و به تربیت نیروهای فرهنگی وابسته پرداخته و راه را برای فرار مغزهای خلاق و مبتکر این جوامع باز گذاشت تا نتوانند به توانایی های داخلی برسند.

وابستگی فرهنگی زمینه ساز سایر سلطه ها

دوام و قوام هر جامعه به فرهنگ آن جامعه است . بنابراین رسیدن به خودکفایی اقتصادی، سیاسی و نظامی ، زمانی میسر است که« استقلال فرهنگی» وجود داشته باشد. نظامهای منحط سرمایه داری ، پس از سالها تجربه و آزمایش به این نتیجه رسیده اند که مهمترین مانع توسعه طلبی آنها در کشورهای جهان سوم قدرت فرهنگی این ملتها است و تا زمانی که علایق مذهبی و فرهنگی جوامع مذکور دست نخورده باقی بمانند، چپاول منافع آنان امر مشکلی خواهد بود. لذا به این فکر افتادند که قبل از هر چیز سلطهٔ فرهنگی را کامل کنند.

اهداف و آثار تهاجم فرهنگی

بخش اول

اهداف تهاجم فرهنگی
بررسی انگیزه ها و اهداف رفتار بشر می تواند خانواده را در درک دامنهٔ کنشهای وی و نیز راههای درست رویارویی با آن یاری دهد. با توجه به این حقیقت روشن ، تلاش در بازشناسی اهداف و انگیزه های استکبار جهانی در یورش فرهنگی بسیار حائز اهمیت

است بر این اساس باید یادآور شد که در پس پدیدهٔ شوم تهاجم فرهنگی، حقایقی ناگوار چهره می نماید؛که سلطهٔ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی از زشت ترین آنها به شمار می آید.

الف) سلطهٔ فرهنگی

ب) سلطهٔ سیاسی

ج) سلطهٔ اقتصادی

بخش دوم

آثار تهاجم فرهنگی

پیامدهای شوم یورش فرهنگی، بسی خطرناك و مصیبت بار است. از دست دادن سیادت اسلامی و اُفول ستارهٔ شوکت و اقتدار تمدّن دیر پای آن، حاصل تلاش ویرانگر و همه جانبه ای است که غرب از دوران رنسانس آغاز کرد. این اندیشهٔ پلید که بیشتر به صورت تهاجم وسیع به مواضع فکری و فرهنگی جهان اسلامی تحقق یافت ، آثار شوم و محنت باری را به دنبال داشت که مهم ترین آنها به قرار زیر است :

الف) استحالهٔ فرهنگی و محو فرهنگ ملی

ب) وابستگی سیاسی- اقتصادی

شیوه های تهاجم فرهنگی دشمن

۱- تربیت دست آموزها

۲- ارائه الگوها و نمونه ها

۳- جدایی جوانان از اعتقادات دینی

۴- ارائه معیارهای فرهنگ غرب

۵- تبلیغ فراماسونری

۶- تشکیل مسابقات بین المللی ادبی، هنری، علمی و ورزشی منطبق بر ارزشهای غربی

۷- اعزام مستشاران خارجی و شرکتهای چند ملّیتی

۸- طرح و تفسیر دمکراسی به شیوهٔ غرب

۹- تلاش در جهت نابودی افکار مخالف

۱۰- ادعای دلسوزی برای آزادی مطبوعات

ابزارهای تهاجم فرهنگی

۱- خبرگزاری های بین المللی

۲- مطبوعات

۳- رادیو و تلویزیون

۴- سینما، تئاتر

۵- مواد مخدر

۶- کالاهای صادراتی

ویژگی‌های تهاجم فرهنگی

اساساً«تهاجم فرهنگی» در مقایسه با تهاجم نظامی یا اقتصادی، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است. تهاجم فرهنگی معمولاً نامرئی و نامحسوس است؛ دراز مدت و دیرپاست؛ ریشه‌ای و عمیق است؛ همه‌جانبه است؛ حساب شده و دارای برنامه و ابزارهای گسترده است؛ گسترده و فراگیر است؛ کارساز و خطر زاست. علاوه بر این‌ها، «تهاجم فرهنگی» همانند کار فرهنگی ، یک کار آرام و بی‌سر و صداست و قربانیان آن بیش‌تر قشر جوان هستند.

در تهاجم نظامی، دشمن با تجهیزات و امکانات نظامی وارد معرکه می‌شود، اما در«تهاجم فرهنگی» نیازی به لشکرکشی و هزینه‌های هنگفت نظامی نیست؛ هم‌چنین دشمن در این تهاجم برای تحمیل حاکمیت فرهنگ خود از همهٔ حربه‌های سیاسی- اقتصادی، نظامی، روانی و تبلیغاتی بهره می‌گیرد. در«تهاجم نظامی» تنها بخشی از مرزها و سرزمین‌های مجاور در تیررس مستقیم دشمن قرار می‌گیرد، اما در«تهاجم فرهنگی» سلاح‌های مخرّب دشمن تا عمق خانه‌ها پیش می‌رود و ذهن و قلب انسان‌ها را نشانه می‌گیرد. به همین دلیل است که پس از جنگ جهانی دوم، آیزنهاور رئیس جمهور وقت آمریکا اعلام کرده بود که: بزرگ‌ترین جنگی که در پیش داریم جنگی است برای تسخیر اذهان انسان‌ها.

تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی

تبادل فرهنگی ملت‌ها در طول تاریخ به شکلی طبیعی وجود داشته و عاملی برای رشد و تعالی مستمر فرهنگ ها بوده است. تبادل فرهنگی برای تازه ماندن معارف و حیات فرهنگی بشر امری بسیار ضروری است و جامعه انسانی را در ارتقای ارزش‌ها و پیمودن مسیر سعادت واقعی به پیش می‌برد. این جریان فرهنگی دو سویه است و هنگام قوت و توانایی ملت‌ها صورت می‌گیرد. در این روند، ملت‌ها با هدف ترویج ارزش‌های بشری، به تبلیغ ایده‌آل‌ها و معیارهای خود می‌پردازند و نیز عناصر و مفاهیم برجستهٔ فرهنگ‌های دیگر را وام می‌گیرند.

گسترش اسلام در برخی از مناطق جهان، از جمله شرق آسیا، از طریق رفت و آمد مسلمانان ایران به این مناطق، از نمونه‌های قابل استنادی است که پیامدهای مثبت تبادل فرهنگی را برای جامعهٔ بشری به خوبی اثبات می‌کند. در تبادل فرهنگی هدف اصلی باردار کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است و از این دیدگاه، تردیدی نیست که در برخورد با فرهنگ غرب نیز تبادل صحیح فرهنگی، منشأ آثار مثبتی خواهد بود.

بنابراین، اساساً تبادل فرهنگی و تهاجم فرهنگی در دو جهت مخالف قرار دارند. تبادل فرهنگی فرآیندی متقابل و طبیعی است و با رضایت طرفین صورت می‌گیرد؛ ولی تهاجم فرهنگی یک طرفه، غیرداوطلبانه و سلطه‌گرانه است و اهداف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی وحتی نظامی دارد. معرفی، انتقال و جایگزینی ارزش‌ها در تهاجم فرهنگی طبیعتاً تحمیلی است. در واقع در تبادل فرهنگی، هدف به روز کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است، ولی در «تهاجم فرهنگی» هدف ریشه‌کن کردن و از بین بردن فرهنگ ملی است.

قابل توجه است که فرهنگ‌پذیری با میل و به دلخواه یا تعامل فرهنگی، زمانی میسّر است که هیچ‌گونه نابرابری اجتماعی یا سیاسی بین دو فرهنگ وجود نداشته و هیچ‌کدام برتری مادی یا معنوی نسبت به دیگری نداشته باشند. در مقابل، در سایه‌ی برتری تکنولوژی، قدرت نظامی، امکانات بیش‌تر اقتصادی و فنی، و برنامه‌ریزی سیاسی است که تسلط پدیده‌های فرهنگی یک جامعه بر دیگری انجام می‌گیرد .

در مجموع می‌توان گفت که: در تبادل فرهنگی سه اصل گزینش ،تحلیل و جذب و اصل تولید فرهنگی، مد نظر متولیان فرهنگی یک جامعه است و این افراد برای زنده و پویا نگه داشتن فرهنگ خودی، عناصر فرهنگ بیگانه را بررسی و عناصر مثبت آن را گزینش و پس از تحلیل و تعیین تناسب آن با فرهنگ بومی، آن را جذب می‌کنند و به شکل عنصری از فرهنگ خودی در می‌آورند. به طور خلاصه، تفاوت تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی را می‌توان در موارد ذیل دانست:

۱- در تهاجم، هدف تخریب است، اما در تبادل فرهنگی هیچ کدام از دو فرهنگ قصد تخریب فرهنگ مقابل را ندارد و هدف انتقال و نشر فرهنگی است.

۲- در تهاجم، یک ملت برای جای‌گزینی فرهنگ خود، به نحوی ظالمانه سعی در ریشه‌کنی فرهنگ مقابل دارد، اما در تبادل فرهنگی چنین نیست.

۳- در تبادل فرهنگی، همواره جنبه‌های مثبت و انسانی مطرح است؛ بدین معنا که دو طرف قصد بارور کردن، تکامل بخشیدن و ارتقای یکدیگر را دارند؛ در حالی که در تهاجم فرهنگی اهدافِ خیرخواهانه در میان نیست. بلکه قلع و قمع، ارعاب، بی‌هویت کردن و ایجاد سلطه، مدنظر است.

۴- در تهاجم فرهنگی، قصد استیلا و به طور کلی، غرض سیاسی مأخوذ است و مهاجم اصولاً بقای فرهنگ مقابل را به هیچ عنوان نمی‌پذیرد.

سیر تاریخی تهاجم فرهنگی در ایران

محققان برآنند که مبدأ تاریخی تهاجم فرهنگی غرب در ایران را باید از آغاز حکومت قاجاریه و کمی قبل از آن فرض کرد؛ زمانی که نادر از دنیا رفت و مملکت ایران دچار آشوب و بی‌نظمی شد و کمپانی هند شرقی تحرکات خود را شدت بخشید شروع این حرکت با تأسیس مذاهب جعلی، مانند وهابیگری در مذهب اهل سنت، و شیخیگری و بهائیت در مذهب تشیع اشاره کرد. این مذاهب جدید به منظور تغییر در اعتقادات واقعی دین اسلام و ایجاد اختلاف در میان مسلمانان طراحی شدند .

این حرکت در جامعه ایران از زمان اولین اعزام ایرانیان به غرب برای تحصیل ، و بازگشت آنان به کشور ، شدت

بیش‌تری به خود گرفت. نخستین ایرانیانی که برای مأموریت و یا تحصیل به غرب سفر کردند، اسیر شبکه فراماسونری(۱) غرب شدند؛ تعدادی از آنان چون عسگرخان افشار ارومی و ابوالحسن‌خان ایلچی حلقه نوکری غرب را به گوش آویختند و در ازای گرفتن حقوق از بیگانگان، به ترویج غرب‌گرایی و تأمین منافع آنها در ایران پرداختند. مشخصه تمامی این فرنگ‌رفتگان، خودباختگی در مقابل مظاهر تمدن غرب و ترویج غرب‌گرایی در ایران بود؛ برای مثال، آخوندزاده علت عقب‌ماندگی ایرانیان را دین اسلام و خط عربی می‌داند.

با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و آغاز سلطنت رضاخان، روشنفکران غرب‌زده با شکل جدیدی از تهاجم فرهنگی در

ایران ظهورکردند. رضاخان در طول ۲۰ سال سلطنت خود، انهدام فرهنگ قومی، ملی و اسلامی ایران را بنا نهاد. با توجه به ضعف توانایی‌های فکری و علمی او، چنین حرکت حساب شده‌ای نمی‌توانست حاصل درک و بینش وی باشد. او با حضور مستشاران متعدد غربی و همکاری و اقتدار روشنفکران وابسته در دستگاه حکومت خود، تدارک این حرکت ضد فرهنگی را فراهم نمود برای مثال، حسن تقی‌زاده که سمبل مدافعان ترویج کامل و بی‌حد و مرز معیارهای غربی در کشور و گرداننده اصلی مجله شبه روشنفکری کاوه است می‌نویسد:

«وظیفهٔ اول همه وطن‌پرستان ایران قبول و ترویج تمدن اروپا، بلاشرط و قید، و تسلیم مطلق شدن به اروپا و اخذ آداب و عادات و رسوم و تربیت و علوم و صنایع و زندگی و کل اوضاع فرنگستان است، بدون هیچ استثنا. به سخن دیگر ایران باید ظاهراً و باطناً،

جسماً و روحاً، فرنگی مآب شود و بس .»

۱- فراماسونری سازمانی متکی بر پنهان‌کاری و نهان‌روشی است و نظریه‌های سیاسی آن در جهت عملی کردن تهاجم فرهنگی غرب و بسط و نفوذ استعمار با کارکردی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شکل یافته است.

------------------- در مجموع می‌توان گفت این استعمارگران بودند که به بهانه‌های مختلف به منظور تسلط بر کشورهای جهان سوم از این حربه استفاده کردند.

سابقه تاریخی این فرآیند در غرب به بعد از رُنسانس و انقلاب علمی در جامعه اروپا برمی‌گردد؛ هنگامی که صنعت و علم با شتاب بیشتری رشد یافت و کشورهای صنعتی که از تولیدات، اشباع شده بودند، از یک طرف نیازمند بازارهای جدید مصرف شدند و از سوی دیگر تداوم حیات صنعت غرب، بستگی تام به سوخت و مواد اولیه داشت. در این زمان معقول‌ترین انتخاب برای غرب در خصوص تأمین منابع اولیه و به‌دست آوردن بازار مصرف،

نزدیک‌ترین منطقه به آنان، یعنی جهان اسلام بود؛ به همین سبب، ذخایر غنی نفتی و بازارهای مصرف این منطقه از جهان، هدف تهاجم آنان قرار گرفت. بدین ترتیب کشورهای اسلامی یکی پس از دیگری با روش‌های مختلف سیاسی، نظامی و فرهنگی استعماری در ظاهر استقلال پیدا کردند. شرکت‌ها و صنایع اروپایی در این کشورها رخنه نموده و بازارهای این کشورها را در اختیار گرفتند. برای تثبیت وضع موجود، تنها چاره‌ای که به فکر اندیشمندان و متفکران سیاسی غرب رسید، استفاده از«تهاجم فرهنگی» بود؛ زیرا توسل به نیروی نظامی و زور، برای همیشه راه‌حل مناسبی برای استیلا نبود و برای مدت‌های طولانی نمی شد استثمار را با آن تداوم بخشید.

به‌همین سبب استعمارگران از دیدگاه‌ها و نظریات علمی استعماری که زمینه تهاجم فرهنگی را فراهم می‌آورد استقبال کردند. کلام معروف سیسیل رودس، یکی از متفکّران انگلیسی، شاهدی بر این مطلب است که تهاجم فرهنگی از طرف غرب به شکلی سازماندهی شده و برای حفظ منافع درازمدت آنان صورت گرفته است. او می‌گوید:«برای این‌که ۴۰ میلیون جمعیت پادشاهی متحدهٔ بریتانیا را از یک جنگ داخلی خونین نجات دهیم، باید سرزمین‌های جدیدی را به دست آوریم تا مشکل اضافه جمعیت حل شود و بازارهای جدیدی برای کالاهای تولید شده در کارخانه‌ها و معادن فراهم گردد. همان‌طور که همیشه گفته‌ام،«امپراطوری» راه حلی برای مسأله نان و بیکاران است. اگر می‌خواهید جنگ داخلی نداشته باشید، باید امپریالیست شوید!»

به گفتهٔ یکی از محققان ایرانی، امروزه داعیه برتری‌طلبی و تسلط فرهنگ غربی به مرحله‌ای رسیده است که تحمل هیچ رقیبی را برای خود ندارد:« در طرح تاریخی غربی شدنِ عالم، مطلب صرفاً این نبوده است که فرهنگ‌های غیرغربی جای خود را به فرهنگ غربی بدهند، بلکه مسئله این بوده است که هر جا و هر قوم که غربی نشود، ناچیز است و این ناچیز، چه در صورت ظاهر و سیمای بشر و چه به صورت اشیا یافت شود، جز این قابلیت ندارد که به تملک و تصرف غرب درآید؛ پس قضیه غرب این نیست که گروهی سوداگرِ حریصِ متجاوز در جایی پیدا شده‌اند و علم وعقل را وسیله تسلط و استیلای خود قرارداده‌اند. غرب عین این علم و عقل است و در نظر او یک عالم بیش‌تر وجود ندارد؛ یعنی غیرت غربی به وجود غیر و مغایر مجال نمی‌دهد، هرچه هست باید غربی بشود یا ازمیان برود.»

البته امروزه با تسلط فرهنگ آمریکایی و گسترش آن در کشورهای اروپایی، این هراس به وجود آمده است که این آمریکایی‌سازی، فرهنگ عامهٔ اروپا را نیز دست‌خوش تغییر سازد.

فرهنگ غربی و فرهنگ شرقی

امروزه در تقسیم کلی، فرهنگ کشورهای جهان را به دو دستهٔ شرقی و غربی تقسیم می‌کنند. دو اصطلاح شرق و غرب تعابیر جغرافیایی هستند و با این ملاک کشورهای چین، فیلیپین، ژاپن و... شرقی محسوب می‌شوند و ایسلند، کانادا و تمام آمریکا از شمال تا جنوب، غربی؛ اما این دو مفهوم در حوزه‌ها و قلمروهای دیگر مثل سیاست، حکمت، فلسفه، عرفان و تاریخ هم در برابر هم قرار می‌گیرند؛ برای مثال، تقابل اسلام و غرب، صورتی از تقابل شرق و غرب محسوب می‌شود. در این تقسیم‌بندی تاریخی و سیاسی منظور از فرهنگ غربی همان بینش یونان و روم بعد از میلاد مسیح و اروپای بعد از رنسانس است که برخی از ویژگی‌های آن عبارت‌ند از: اصالت قدرت، اصالت ماده، اصالت زندگی، نظم فکری و عملی، اصالت مصرف، میل به تحلیل عقلانی، خودمداری و اومانیسم.

در مقابل فرهنگ غربی، مجموعه‌ای از فرهنگ‌های ملل شرقی قرار دارد که عمدتاً دارای ویژگی‌های زیر است:

طالب و تابع قطب بزرگ ازلی(خداوند) است(اصالت وحدانیت)؛ در جست‌وجوی روح و یافتن راز خلقت است (اصالت روح)؛ میل به تحلیل عاطفی دارد؛ قوم‌گرا و ناسیونالیسم است؛ به همه‌چیز با دیدهٔ ابهام می‌نگرد.

عوامل تهاجم فرهنگی

اشاره

عوامل تهاجم فرهنگی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

عوامل برون‌زا

زمینه‌ها، عناصر و ابزاری که به نحوی ردپای کشورهای خارجی(غربی) در آنها دیده می‌شود عوامل برون‌زا هستند؛ از جمله: اعزام مستشرقین، تلاش برای دین‌زدایی از طرق مختلف، ایجاد روحیهٔ خودباختگی فرهنگی، ساخت و فروش وسایل ارتباطی، نظیر ماهواره و ویدئو و... . سیاست‌گزاران و طراحان کشورهای سلطه‌جو این عوامل را طراحی و برنامه‌ریزی می‌کنند و افراد داخلی آن را به اجرا درمی‌آورند.

عوامل درون‌زا

زمینه‌ها، عناصر و ابزاری که ریشهٔ داخلی داشته و غیرمستقیم یا مستقیم به پذیرش تهاجم فرهنگی از خارج به داخل کمک می‌کنند عوامل درون‌زا هستند؛ از جمله: زمینه‌هایی هم‌چون بیکاری، فقر اقتصادی، نابسامانی خانوادگی، غفلت مسئولین فرهنگی و اجتماعی و ناآگاهی جوانان و نوجوانان و... .

نقش خانواده در مقابل تهاجم فرهنگی

با توجه به اینکه دشمنان ایران اسلامی در درجهٔ اول این تهاجم؛کودکان، نوجوانان و جوانان را به عنوان هدف قرار داده اند. خانواده ها باید پس از شناخت فرهنگ، انواع فرهنگ، زمینه، اهداف و آثار تهاجم فرهنگی، شیوه های تهاجم و از همه مهتر نقش خود در مقابل آن را که همان مقابله با تهاجم فرهنگی است را به دقت مورد بررسی قرار دهند.

راههای مقابله با تهاجم فرهنگی

اشاره

بی‌تردید امروزه اکثر کشورها در پی آن هستند که راهکارهایی بیندیشند تا از تخریب و تضعیف فرهنگ خود از طریق رسانه‌های همگانی هدایت شده توسط غرب بکاهند؛ هرچند کسی منکر این واقعیت نمی‌تواند باشد که در دنیای امروز، کشورها نمی‌توانند دیواری به دور خود بکشند و از برخورد فرهنگ جامعهٔ خود با فرهنگ‌های بیگانه، در امان باشند، زیرا رسانه‌های همگانی جهان همچون ماهواره‌ها و تکنولوژی اینترنت، مردم دنیا را در جریان آخرین پیشرفت‌ها، مُدها، ساخته‌ها، هنرها و غیره قرار می‌دهند. اگر فرهنگ جامعه‌ای توان خود را از دست بدهد و اگر مردمی از فرهنگ خود گُسسته شوند، قدرت درست اندیشیدن از آنها سلب می گردد و در این دریای ارتباطات غرق می‌شوند.

اگر ظرف مدت دو سال، جامعهٔ شوروی سابق به کلی دگرگون می‌شود و رسانه‌ها و کانال‌های تلویزیونی آمریکایی و اروپایی چنان فرهنگ آن را در هم می‌کوبند که آثار نویسندگان و هنرمندان بزرگ روسیه به کلی فراموش می‌شود و الگوهای غرب مقبولیت می‌یابند، بیش‌تر به این دلیل است که پیش از آن، فرهنگشان صلابت و ایستادگی خود را از دست داده بود. ما معتقدیم فرهنگ اصیل اسلامی و تعصّب مذهبی، همچون درخت تنومندی در ذهن و قلب مردم مسلمان این مرز و بوم ریشه دوانیده است و طوفان«تهاجم فرهنگی» به راحتی نمی‌تواند این درخت را از جای برکَنَد، اما نباید از تکانهای گاه و بیگاه آن که میوه‌های نارسیده را سرنگون می‌سازد غافل بود؛ لذا شناخت راههای مقابله با تندباد تهاجم بسیار حایز اهمیت است.

ملت‌هایی که علاقه‌مند به حفظ و پاسداری از«هویت فرهنگی» خود هستند، سعی می کنند فرهنگ غیر مادی جامعهٔ خویش را حفظ نمایند. البته این بدان معنا نیست که می‌توان(یا باید) فرهنگ غیرمادی را کاملاً دست نخورده و ثابت و اصیل نگه‌داشت؛ زیرا، همان‌طور که در ویژگی‌های فرهنگ ملاحظه شد، تغییر از خصوصیات فرهنگ است. ولی این تغییر، در صورتی به هویت فرهنگی آسیب نمی‌رساند و باعث از هم گسیختگی آن نمی‌شود که جریان کُند، بطئی، عادی و خودبه‌خودی را بپیماید.

برای مقابله و مبارزه با«تهاجم فرهنگی» راههای بسیار زیادی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ذکر شده که هر کدام دارای اهمیت خاص خود است.

با کنکاشی فشرده در زمینه ها، ابزار و شیوه های«یورش فرهنگی» راههای رویارویی با آن آشکار می شود، ولی برشمردن مؤثرترین آنها می تواند چونان تذکاری خانواده ها را سودمندتر افتد و ایشان را در این نبرد مقدس یاری دهد. بر این اساس، مهمترین این راهها از نظر ثمر دهی و کارآیی به قرار زیر است:

۱- تقویت بینش دینی و سیاسی

۲- دقّت در برنامه های آموزش و پرورش کودکان، نوجوانان و جوانان

۳- اشباع نیازهای طبیعی فرزندان از راههای مشروع

۴- زُدودن فقر اقتصادی

۵- پیشگیری از نفوذ عوامل فرهنگی دشمن

۶- تقویت و احیای عزّت نفس

۷- مبارزه با روحیه تجمّل گرایی

۸- شناخت فرهنگ و اهداف دشمن در تهاجم فرهنگی

۹- استفاده از همهٔ ابزارهای ممکن برای دفاع فرهنگی حال به شرح مفصّل هر یک از این موارد جهت شناخت و بالا رفتن آگاهی خانواده ها می پردازیم:

تقویت بینش دینی و سیاسی

اعتقاد به حقایق با عظمتی چون آفریدگار جهان، پیامبران الهی و رستاخیز نوعی تعهد در فرزندان پدید می آورد و میزان مصونیت آنها را در برابر یورش فرهنگی بیگانگان افزایش می دهد. به عبارت دیگر خانواده ها با تقویت باورهای دینی و پی ریزی بینشی درست در فرزندان در زمینهٔ مذهب و سیاست می توانند آنها را به سنگری نفوذ ناپذیر در برابر بمباران فرهنگی دشمن تبدیل نمایند و سود جویان غرب را ناکام و ناامید سازند. بی تردید، چنین ایمانی فرزندان را به جهت گیری صحیح رفتاری رهنمون می شود و از کَج روی و ناهنجاریها باز می دارد.

قرآن کریم در این باره می فرماید:

... "يَهديهِم رَبُّهُم بِايمانِهِم(" ...۱)

پروردگارشان به سبب ایمانشان هدایتشان می کند.

به واقع ، ایمانِ درست و اعتقاد راسخ به اصول دین، فرزندان را در برابر امواجِ فساد غرب مقاوم می سازد. بر این اساس دستگاههای مذهبی چون حوزه های علوم دینی، رسالتی سخت عظیم را در یاری خانواده ها در این مسیر بر عهده دارند. و باید پرداختن به اصول دین و تقویت باورهای مردم را بیش از همیشه مورد توجه قرار دهند.

البته در کنار پرورش نهال ایمان در دلهای فرزندان ایران اسلامی ، آگاه ساختن آنان به مسائل سیاسی روز و تبیین هدف شوم دشمن در یورش فرهنگی نیز ضروری است.« احمد هوبر» روزنامه نگار مسلمان سوئیسی در این باره می گوید: اوّلین کاری که خانواده ها در این راه باید انجام دهند این است که در رسانه های گروهی ایران؛ رادیو، تلویزیون و مطبوعات، آنچه را که دربارهٔ انحطاط این فرهنگ تجاری می دانند به گوش جوانان برسانند و ثابت کنند که این فرهنگ دروغین یا یک مُد جدید لباس، هیچ ارتباطی به شیوهٔ جدید زندگی ندارد؛ بلکه تمام آن از پول و سیاست سرچشمه می گیرد و در حقیقت جنگی است علیه اسلام.

دقّت در برنامه های اموزش و پرورش کودکان ، نوجوانان و جوانان

کودکان با دلهای پاک واندیشه های شفاف برای پذیرش پیامهای آموزشی وپرورشی از آمادگی ویژه ای برخوردارند.

به گونه ای که آثار پیامهای دریافت شده در روزگار خردسالی تا پایان زندگی در رفتار و کردار آنان باقی می ماند.با توجّه بدین حقیقت بزرگ، خانواده ها باید از فرصت طلایی خردسالی سود برند و به یاری هنر، ورزش و انواع سرگرمیها ارزشهای والای اسلامی را در ژرفای وجودِ فرزندان اسلام جای دهند.

پیر راز دار امّت، حضرت امام خمینی(قدس سره)در این باره هشدار می دهد که:

«آنان] استعمارگران[چنانچه تجربه نشان داده، جز تباهی شما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چاپیدن ذخایر

شما و به بند استعمار و ننگ وابستگی کشیدنتان و مصرفی نمودن ملت و کشورتان به چیز دیگری فکر نمی کنند.

و می خواهند با این وسایل و امثال آن شما را عقب مانده و به اصطلاح نیمه وحشی نگه دارند.»(۲)

۱- یونس ، آیهٔ ۶ .

۲- صحیفهٔ نور ، ج ۲۱ ، ص ۱۸۵ .

۳- اشباع نیازهای طبیعی فرزندان از راههای مشروع

انسان مجموعه ای در هم پیچیده از غرایز گوناگون است. غرایزی که پیوسته او را به جنبش در کوچه های پُر پیچ و خم زندگی فرا می خواند. این خواستها به گونه ای نیرومندند که می توانند انسان را در پی خویش به بیغوله های تاریک و ناشناختهٔ انحراف

بکشانند.

بـا توجّه بـدین حقیقت برآورده نشـدن این غرایز در جوانان در حـد معقول و یا زیاده روی در کامروایی غریزی می توانـد خطر ساز باشـد. رها ساختن نامعقول جوانان در بهره گیری هر چه بیشتر و به هر شـکل ممکن از این نیروهای مقدّس، آنان را از تلاش در حد مشـروع، یا ناتوانی در برآوردن نیازهای طبیعی نیز زمینه را برای روی آوردن همه جانبه به سوی برنامه های مخرب دشمن فراهم می آورد؛ انبوه جوانان سوخته در آتش غرایز را در دام سرکشی و گُسستن بندهای اخلاق و عفاف گرفتار می سازد.

____

زدودن فقر اقتصادی

تنگـدستی را شایـد بتوان از پلیـدترین پدیـده هـای جـامعه به شـمار آورد. حقیقت نـاگواری که پیشوایان دین آن را به کُفر نزدیک دانسته اند و دانشمندان از آن به عاملی برای آغاز انحراف و بزهکاری یاد کرده اند.

بی تردیـد بسیاری از ناهنجاریهای اجتماعی چون سـرقت،ولگردی،گدایی،خود فروشـی و... به علّت تنگدستی و بی چیزی به وجود می آیـد. پدیـدهٔ فقر در هر جـامعه ای که چهرهٔ کریه خود را به نمـایش بگـذارد، ماننـد سـیلی بنیـان کن زیر بنـای تمامی ارزشـهای خانوادگی را از بُن ویران می کند و کاخهای کرامت و شرافت آدمی را در بیغوله های ننگ و بدنامی تبدیل می کند.

پیشگیری از نفوذ عوامل فرهنگی دشمن

عناصـر خود فروختهٔ فرهنگی، مطبوعات و مجلّه های گمراه کننده، فیلمهای مبتذل و... نمونه هایی از عوامل فرهنگی دشـمن برای به انحراف کشیدن جوانان به شمار می آیند.

نگاهبانی از ارزشـهای الهی، بینشی ژرف می طلبد بینشی که در سایهٔ آن همهٔ عوامل فرهنگی غرب را شناسایی و کنترل نموده و در صورت لزوم طرد و مُنزوی سازد. به وجود آوردن چنین بینشـی از طرف خانواده ها در فرزندان، زمینه را برای خنثی سازی این حربهٔ خطرنـاک و آگـاه بودن آنهـا در هنگـام رویـارویی بـا این عوامـل، فراهم می سـازد. با چنین درایتی از طرف خانواده و عمل نمودن فرزندان و به خصوص قشر جوان جامعه، مطمئناً شاهد شکست دشمنان در این مورد نیز خواهیم بود.

تقویت و احیای عزّت نفس

از جمله راههـای مبـارزه بـا تهاجم فرهنگی، تقویت و احیای روحیـهٔ عزّت نفس در فرزنـدان می باشـد. بنابراین لازم است خانواده با تقویت این روحیه و زُدودن احساس خود کم بینی جوانان، آنها را از تقلید کورکورانه از روشهای زندگی بیگانگان باز داشت.

در این باره امام صادق(ع) می فرماید :

خداوند به پیامبری از پیامبرانش وحی کرده که به مؤمنان بگو :

"لا تَلبِسُوا لِباسَ اَعدائی، وَ لا تَطعَمُوا مَطاعِمَ اَعدائی، وَ لا تَسلُکُوا مَسالِکَ اَعدائی، فَتَکُونُوا اَعدائی کَما هُم اَعدائی("۱)

"لباس دشـمنان مرا نپوشـید و غذای دشـمنان مرا نخورید و به شیوهٔ دشمنان من رفتار نکنید که شما نیز همانند آنان جزو دشمنان من خواهید شد(".۱)

بنابراین لازم است خانواده ها روحیـهٔ عزّت نفس را در فرزندان ترویج و تقویت کنند تا زمینهٔ پذیرش برنامه های فرهنگی دشـمن از بین برود.

مبارزه با روحیهٔ تجمّل گرایی

امروزه اثر مستقیم روحیـهٔ تجمّـل گرایی بر واردات کالاهـای مصرفی لـوکس و پیروی از مـدهای گونـاگونی کـه حجم انبـوهی از فرهنگ و ارزشـهای غربی را یدک می کشـند، بر کسـی پوشیده نیست نگاهی به زندگی روزانهٔ مرفهین بی درد نشانگر این واقعیت است که پیروی از مُد، حتّی در شیوهٔ خوراک آنان نیز دگرگونی پدید آورده است. البته

زیان روحیهٔ رفاه جویی و تجمّل گرایی تنها در تغییر شـیوهٔ پوشـش، خوراک و رفتارهای اجتماعی و شخصـی آشکار نمی شود بلکه در بالا ـ رفتن میزان بزهکاریهـا و زیر پا نهادن اصول اخلاقی نیز اثری شـگرف دارد. افزایش خواسته های جوانان که در سایـهٔ چنین روحیه ای پدیـد می آیـد انگیزه ای نیرومنـد برای سـرقت، کلاهبرداری، رشوه و... به شـمار می آیند. از این رو، در مبارزه فرهنگی، زدودن روحیهٔ تجمل گرایی از دلهای جوانان باید به گونه ای جدّی مورد توجه قرار گیرد. و اثرات منفی آن برای آنها تبیین شود تا جوانان با نگرشـی آگاهانه به مسائل بیندیشند و از روی آوردن و تسلیم بی چون چرا در برابر امواج ویرانگر این شبیخون مخرب در امان باشند.

۱- وسایل الشیعه ، ج ۳ ، ص ۲۷۹ ، ابواب لباس المصلی ، باب ۱۹ ، حدیث ۸ .

استفاده از همهٔ ابزارهای ممکن برای دفاع فرهنگی

اگر دشمن برای شکست ما به هر وسیلهٔ ممکن جنگ می زند، ما نیز باید به حکم دستور قرآنی "وَ اَعِدّوُا لَهُم مَا استَطَعتُم مِن قُوَّهٍ "از هر وسـیلهٔ مشروعی سلاحی بسازیم و از فرهنگ اسلامی خویش پاسداری کنیم. در این راه باید از یک سو امکانات فرهنگی، هنری و ورزشـی توسعه یابـد؛ تـا جوانـان به تفریحـات سـالم روی آورنـد و از سوی دیگر بایـد همـهٔ کوششـهای فرهنگی و... در دفـاع از ارزشهای الهی هدایت شود. رهبر فقید انقلاب اسلامی امام خمینی(ره) در این باره می فرماید:

«در رژیم سابق تمام چیزها، خصوصاً فرهنگ و هنر محتوایش عوض شده بود. یعنی کسـی که نام سـینما را می شنید، خیال می کرد که آن جا بایـد مرکز فساد و سوء اخلاق و مرکز مخالفت با همه چیز باشـد. و یا کلمهٔ تئاتر در ذهن انسان چیز مبتذلی بود که از آن بهرهٔ فساد برده شود؛ هکـذا همه چیز دیگر. و عمده این است که ما ذهن این جوانها و حتّی پیرها و روشـنفکرنماها را آماده کنیم که ما خودمان آدم هستیم و این طور نیست که در همه چیز دسـتمان را پیش دیگران دراز کنیم... بنابراین مـدتها باید زحمت بکشـیم و بـاور کنیم که خودمـان دارای یـک فرهنـگ بزرگ انسانی با ارزشـهای اسـلامی هستیم. و اگر امروز کمبود نیروی انسانی هست، به خاطر همین است که افکار به آن طرز تفکّر عادت کرده است؛ لذا ساختن تئاتری که مطابق با اخلاق انسانی- اسلامی باشد، زحمت دارد. و سینما هم اگر بخواهد چنین باشد، نیازمند به صرف مدّتها وقت است و هرگز در متن سینما و تئاتر نوشته نشده است که باید مرکز فساد باشند.»(۱)

۱- صحیفهٔنور ، ج ۱۸ ، ص ۱۶۱-۱۶۲ .

منابع

۱- فرهنگ و شیعه فرهنگ ، محمد علی اسلامی ، ص ۱۰۱.

۲- فرهنگ استقلال ، جواد منصوری ، ص ۱۱۲.
۳- مرتضی مطهری ، آشنائی با علوم اسلامی ، (قم ، دفتر انتشارات اسلامی وابستهٔ به جامعه مدرسین حوزهٔ علمیه ، ۱۳۶۲).
۴- پیام انقلاب ، س ۳ ، ش ۱۲۳ .
۵- صحیفهٔ نور ، ج ۲۱ ، ص ۱۸۵ .
۶- وسایل الشیعه ، ج ۳ ، ص ۲۷۹ ، ابواب لباس المصلی ، باب ۱۹ ، حدیث ۸ .
۷- داوری اردکانی، رضا، ۱۳۷۹"؛ تبادل فرهنگی و فرهنگ جهانی غربی، "درباره غرب، چاپ اول، تهران: هرمس.
۸- روسک، جوزف، و رولندوارن، ۱۳۶۹؛ مقدمه جامعه‌شناسی، ترجمه بهروز نبوی و احمد کریمی، چاپ سوم، تهران: انتشارات کتابخانه فروردین.
۹- صلاحی، جاوید، ۱۳۷۶؛ تهاجم فرهنگی و مقابله با آن، گزارش تحقیقاتی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۱۰- مسگرنژاد، جلیل، ۱۳۷۳؛ جایگاه ادبیات وعلوم ادبی در بازداری تهاجم‌فرهنگی، مجموعه مقالات کنفرانس تهاجم فرهنگی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۱- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۷۶؛ تهاجم فرهنگی، تحقیق عبدالجواد ابراهیمی، قم: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۲- خرم، مسعود، ۱۳۷۸؛ هویت، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشارات حیان.
۱۳- آزاد ارمکی، تقی، ۱۳۷۵"؛ تحلیل جامعه‌شناختی از: راههای نفوذ فرهنگی غرب در ایران معاصر، "کتاب سروش، (مجموعه مقالات، رویارویی فرهنگی ایران و غرب در دوره معاصر)، چاپ اول، تهران: سروش.
۱۴- فقیه حقانی، موسی، ۱۳۷۵"؛ فراماسونری و گسترش فرهنگ غرب در ایران، "کتاب سروش(رویارویی فرهنگی ایران و غرب در دوره معاصر)، چاپ اول، تهران: سروش.
۱۵- فیاض، محمدسعید، ۱۳۷۲؛ درآمدی بر تهاجم فرهنگی غرب، مرکز مطالعات اسلامی، تهران: معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۶- شفیعی سروستانی، اسماعیل، ۱۳۷۲؛ تهاجم فرهنگی و نقش تاریخی روشنفکران ، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
۱۷- ابراهیمی، پریچهر، ۱۳۶۷؛ تأملی بر فرهنگ، تفاوت فرهنگ شرق و غرب، تهران: انتشارات آموزشی رشد علوم اجتماعی.
۱۸- قائم مقامی، فرهت، ۱۳۵۶؛ آموزش یا استعمار فرهنگی ، چاپ سوم، تهران: انتشارات جاویدان.
۱۹- نگارش، حمید، ۱۳۸۰؛ هویت دینی و انقطاع فرهنگی ، چ اول، قم: نهاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه، مرکز تحقیقات اسلامی.
۲۰- سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، ۱۳۷۳؛ چاپ اول، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۲۱- کاظم‌زاده، فیروز، ۱۳۷۱؛ روس و انگلیس در ایران، چاپ دوم، انتشارات انقلاب اسلامی.
۲۲- استریناتی، دومینیک، ۱۳۸۰؛ نظریه‌های فرهنگ عامه ، ترجمه‌ی ثریا پاک‌نظر، چاپ اول، تهران: گام نو.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی

آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الا‌عظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سـندش، از امام حسـین علیه السـلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار شریـک کننـده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سـزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسـکری علیه السـلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشـتن بینـوایی ضـعیف را دارد و تـو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یـا مردی نـاصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضـعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سـپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زیـد: امام حسـین علیه السـلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخوانـد و او اجابت کنـد، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه ای


WWW